

باغچه یادها و خاطرات

نوشین مجلسی

سر دبیر

قاصد کوچک



در میان گردش شبکه‌های تلویزیونی به پخش سریال باغچه مینو از شبکه آی فیلم می‌رسیم؛ سریالی که سال‌ها بود شاهد بازپخشش از قاص جادو نبودیم. باغچه مینو، قصه اهالی یک باغ بزرگ موروئی است که در این فضا مراسم مختلفی همچون عزا و عروسی برگزار می‌کنند. این مراسم گاه و بیگاه متضاد، ماجراهای کمیک و جالبی به وجود می‌آورد که خنده بر لب مخاطبان می‌نشانند. هنوز هم تماشای این مجموعه کمدی که نخستین بار سال ۱۳۸۱ از شبکه سه سیما روی آنتن رفت، برای مخاطبان تماشایی، خنده‌دار و البته خاطره‌انگیز است و وجه خاطره‌انگیزی آن وقتی پررنگ‌تر می‌شود که با دیدن سکانس‌های این مجموعه و تیتراژ آن، چهره‌ها و نام‌هایی را می‌بینیم که دیگر میان ما نیستند.



در راس این افراد، کارگردان سریال، رضا صفدری است که سال ۱۳۹۰ به‌ناگاه و در جوانی بار سفر بست و دنیا را به مقصد ابدیت ترک کرد. او بیشتر به کار اجرا در رادیو و تلویزیون اشتغال داشت و پس از مدتی به سمت گویندگی، دوبله و کارگردانی هم رفت. در مقابل دوربین این سریال چهره‌های خندان بسیاری حضور دارند؛ جواد رضویان، سیاوش چراغی‌پور، سوسن مقصودلو، پرند زاهدی، بیژن بنفشه‌خواه و... برخی از این بازیگران هستند. در میان آنها، امروز جای رضا داوودنژاد خالی است. بازیگری که بهار امسال پس از مدتی تحمل رنج بیماری، جهان فانی را با ۴۳ سال سن ترک کرد. او که نقش نادر را در این سریال بازی کرد، کنار خواهر حقیقی‌اش زهرا داوودنژاد در نقش نازنین حضور بانمکی در جمع هنرپیشگان غالباً جوان مجموعه دارد. در سریال، رخت «منوچهر مینو»، صاحب اصلی باغچه مینو را هم فتح‌علی اویسی به‌تن کرده بود؛ بازیگری که سال ۱۴۰۰ برای همیشه لبخند روی لبانش خشکید و تن به خاک و روح به معبود سپرد. بازی‌های شیرین این بازیگر کهنه‌کار تئاتر، سینما و تلویزیون در سریال بدون شرح و... همچنان در فضای مجازی باز نشر می‌شود و محبوبیت دارد. همین است که امروز باغچه مینو به قابی از خاطرات بدل شده که تماشای هر قسمت آن یادآور جوانان و پیشکسوتانی است که دیگر میان ما نیستند.



برگ اول

درباره کتاب

«مثل ماه شب چهارده» را انتشارات معین به بازار عرضه کرده است. شخصیت اصلی این قصه مردی است که معلم نقاشی بوده و در تابستان جهت گذران تعطیلات خویش، به آموزش کاریکاتور در یک فرهنگسرا می‌پردازد. این فرهنگسرا در یک محله کوچک با مردمانی عادی و متظاهر قرار دارد. با تشکیل کلاس‌های آموزشی، معلم از بچه‌هایی خواهد که سراغ پیرمردها و پیرزن‌های محل رفته و براساس چهره آنها، کاریکاتور مورد نظرشان را طراحی کنند. هنگامی که کودکان به نقاشی این افراد می‌پردازند با عصبانیت و خشم شدید آنها روبه‌رو می‌شوند و این آغاز ماجراست.

برگ دوم

درباره سریال

سریال ماه شب چهارده به کارگردانی محمدعلی طالبی سال ۱۳۸۴ هر جمعه در قالب برنامه کودک و نوجوان شبکه اول سیما پخش می‌شد. این سریال داستان معلمی را دنبال می‌کرد که تصمیم می‌گیرد در روستای محل خدمت خود یک کلاس کاریکاتور راه‌اندازی کند. این مسأله و کاریکاتورهایی که از شخصیت‌های مختلف روستا کشیده می‌شود سوء تفاهم‌ها و واکنش‌های مختلفی را به وجود می‌آورد که ماجراهای این سریال را رقم می‌زند. در سریال ماه شب چهارده، بازیگرانی همچون شیرین بنیا، زنده یاد کیومرث ملک‌مطیعی و جمعی از بازیگران خردسال به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سریال محصول گروه کودک و نوجوان شبکه یک سیماست و براساس آن یک نسخه سینمایی نیز تهیه شده. در نسخه سینمایی نیز بازیگرانی نظیر داوود رشیدی، شیرین بنیا، حمید رضایی، ساقی زینتی، دانیال منافی، شکرانه شکورا و... حضور داشتند. در این فیلم که سال ۱۳۸۵ ساخته شد محمد رضا کاتب و محمد رضا طالبی فیلمنامه را به نگارش درآورده بودند.

برگ سوم

بخشی از قصه

ساده است. خیلی ساده. اول باید از پیرها شروع کنید. چون پیرها کاریکاتور جوانی‌شان هستند. پیرزن‌ها و پیرمردهای دماغ‌شان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. می‌افتد پایین، روی لب بالا. نوکش تیز می‌شود؛ خم می‌شود، عین نوک عقاب، یا نوک جغد. معمولاً چند تار موی کلفت سیاه و سفید از پوست چروکیده سر دماغ می‌زند بیرون. موها سیخ می‌ایستند. اگر در جوانی خال یا خال‌هایی کوچک و ناپیدا روی دماغ یا دور و بر آن داشته، وقتی پیر شد خال‌ها بزرگ‌تر می‌شوند. بیشتر به چشم می‌آیند. همین جور فک‌ها می‌افتند پایین، چانه جمع می‌شود. چاله چوله‌ها، چین و چروک‌ها و شیارها عمیق‌تر می‌شوند. چشم‌ها به گودی می‌روند، استخوان‌های پیشانی، خصوصاً بالای ابروها، از زیر پوست بیرون می‌زنند. از این چیزها غافل نباشید. به موهای بلند و سیاه و سفید ابروها، مژه‌ها، سوراخ‌های بینی، کله‌های طاس، سبیل‌ها و ریش‌های جورواجور نگاه کنید. اینها و خیلی چیزهای دیگر، که بعدها برایتان می‌گویم، وسیله کار ماست. استاد جوانی خوش برو بود. کاریکاتور درس می‌داد. سر کلاس بود؛ کلاس تابستانی. کلاس توی فرهنگسرای بود که تازگی در کوچه پس‌کوچه‌های محله‌ای قدیمی باز شده بود. بچه‌ها، پسر و دختر نوجوان، سر کلاس گوش تا گوش نشسته بودند. دفتر و صفحه کاغذی جلوشان بود و مدادی دست‌شان. زل زده بودند به تخته. استاد روی تخته دماغ و چند جور سیبل کشیده بود این جور. همان جوری که تعریف کرده بود.

استاد، ما هم عین همین بکشیم؟

نه. جانم من به کی‌کی کردن از روی دست دیگران اعتقادی ندارم. در نهایت همه‌تان می‌شوید عین من. هر کدام از شما باید نگاه خاص خودتان را به سوژه داشته باشید و سبک و راه و روش خودتان را. باید نگاه‌تان را تربیت کنید که زشتی‌ها و نااهمواری‌ها را خوب ببینید. هر کس با سلیقه و زاویه دیدش دماغ خود یا بغل دستی را نگاه کند. شروع خوبی است. خوب دقت کنید، چه می‌بینید؟ نیم‌رخ برای شروع کار عالی است...

نگاهی به یک اقتباس سینمایی و تلویزیونی از داستان هوشنگ مرادی کرمانی

درخشش مثل ماه شب چهارده

پیوند کتاب و تلویزیون

بیشتر مدیون ساخت فیلم برای کودکان و نوجوانان است و پیش از این نیز قصه‌ها و رمان‌های مرادی کرمانی را دستمایه فیلمنامه‌های خود نظیر تیک تاک، کیسه برنج و چکمه قرار داده بود.

آثار هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده شهیر کودک و نوجوان تا امروز منبع اقتباس فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری بوده که یکی از این آثار کمترشناخته‌شده، «ماه شب چهارده» ساخته محمدعلی طالبی است. طالبی نیز شهرت خود را

